پس چون موسى آیات روشن ما را براى آنان آورد، گفتند: «این جز سحرى ساختگى نیست و از پدران پیشین خود چنین [چیزى‌] نشنیده‌ایم.» (36) و موسى گفت: «پروردگارم به [حال‌] کسى که از جانب او رهنمودى آورده و [نیز] کسى که فرجام [نیکوىِ‌] آن سرا براى اوست، داناتر است. در حقیقت، ظالمان رستگار نمى‌شوند.» (37) و فرعون گفت: «اى بزرگان قوم، من جز خویشتن براى شما خدایى نمى‌شناسم. پس اى هامان؛ برایم بر گل آتش بیفروز و برجى [بلند] براى من بساز، شاید به [حال‌] خداى موسى اطّلاع یابم، و من جداً او را از دروغگویان مى‌پندارم.» (38) و او و سپاهیانش در آن سرزمین به ناحق سرکشى کردند و پنداشتند که به سوى ما بازگردانیده نمى‌شوند. (39) تا او و سپاهیانش را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم، بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود. (40) و آنان را پیشوایانى که به سوى آتش مى‌خوانند گردانیدیم، و روز رستاخیز یارى نخواهند شد. (41) و در این دنیا لعنتى بدرقه [نام‌] آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از [جمله‌] زشت‌رویانند. (42) و به راستى، پس از آنکه نسلهاى نخستین را هلاک کردیم، به موسى کتاب دادیم که [دربردارنده‌] روشنگرى‌ها و رهنمود و رحمتى براى مردم بود، امید که آنان پند گیرند. (43)